

1. رشوه در باب قضا (حکم)

رشوه به قاضی به یکی از صورت های زیر است:

الف) رشوه برای صدور حکم به نفع راشی (۱)، چه حکم به حق باشد و چه باطل ؛ مثلاً راشی می گوید: «من نمی دانم این خانه ملک کیست، ولی می خواهم شما طوری حکم کنی که این خانه مال من بشود.»
ب) رشوه برای صدور حکم حق ؛ راشی به قاضی پول می دهد تا هر چه حق است، حکم کند ؛ اگرچه به ضرر او باشد.
ج) رشوه برای صدور حکم باطل ؛ راشی به قاضی می گوید: «این پول را بگیر و حکم باطل را صادر کن» ؛ حکمی که هم قاضی و هم راشی می دانند باطل است.
رشوه در هر سه صورت، هم بر راشی و هم بر مرتشی (۲) حرام است. (مکاسب محرمه، ج ۱۸۴، ص ۳)

استثنای از حرمت رشوه

چنانچه راشی مضطر باشد، رشوه برای او به عنوان ثانوی حرام نیست. فرضاً اگر می داند که تنها با دادن رشوه، به حق مسلم خود می رسد، در اینجا دادن رشوه جایز است. (گرچه برای گیرنده جایز نیست.) (مکاسب محرمه، ج ۱۸۴، ص ۵)

رشوه برای شئون متعلق حکم (نه خود حکم)

اگر برای برخی از شئون قضا، نه اصل قضا و انشاء حکم، رشوه داده شود، مثلاً راشی بخواهد حکمش که به حق صادر شده، ابلاغ نشود، یا بعد از آنکه ابلاغ شد، اجراء نشود، یا مثلاً با رشوه دهی از قاضی بخواهد که با استفاده از یک مستمسک قانونی، اجرای حکم را به تعویق بیاندازد، مثل تجدید نظرهایی که گاهی بی ضابطه انجام می گیرد و پرونده را به مراحل متعدد و چرخه های تمام نشدنی می اندازد، در این موارد نیز رشوه حرام است.
(مکاسب محرمه، ج ۱۸۴، ص ۶ و ج ۱۸۵، ص ۴)

همچنین رشوه برای فعالیت های قبل از صدور حکم نیز حرام است ؛ فرض کنید متهمی به قاضی رشوه دهد تا دلایل اطمینان آور را جمع آوری نکند ؛ این رشوه بر حکم نیست، امّا رشوه بر مقدماتی است که می تواند منتهی به صدور حکم شود. همچنین از آنجا که دادستان و بازپرس به قاضی کمک می کنند تا حقیقت را به درستی تشخیص دهد، فرض کنید اگر راشی به دادستان رشوه دهد تا دلایل جرم را درست تبیین نکند، این هم مشمول حکم رشوه به قاضی است. (مکاسب محرمه، ج ۱۸۵، ص ۵)

خروج از عدالت

قاضی در صورت گرفتن رشوه، از عدالت خارج می شود. (مکاسب محرمه، ج ۱۹۷، ص ۷)

[۱]. رشوه دهنده

[۲]. رشوه گیرنده